**باسمه تعالی**

[***ابتدای وقت عشاء (غروب آفتاب یا سقوط شفق)*** 1](#_Toc472456097)

[**أدله شروع وقت عشاء با سقوط شفق** 2](#_Toc472456098)

[**مناقشه** 2](#_Toc472456099)

[***انتهای وقت عشاء*** 3](#_Toc472456100)

[**أقوال** 3](#_Toc472456101)

[**أدله امتداد وقت عشاء تا نیمه شب** 3](#_Toc472456102)

[**روایت أول: صحیحه زراره در تفسیر آیه** 3](#_Toc472456103)

[**مناقشه (تقیید آیه به غیر مختار)** 3](#_Toc472456104)

[**جواب (صراحت آیه در امتداد وقت مختار تا نیمه شب)** 3](#_Toc472456105)

[**پذیرش کبرای جواب (غیر عرفی بودن حمل مطلق بر صورت اضطرار)** 4](#_Toc472456106)

[**اشکال در صغرای جواب (تفاوت صورت اضطرار محل بحث با اضطرارهای دیگر)** 4](#_Toc472456107)

[**روایت دوم (صحیحه بکر بن محمد)** 5](#_Toc472456108)

[**روایت سوم (قاسم بن عروه)** 5](#_Toc472456109)

[**روایت چهارم (موثقه حسن بن محمد بن سماعه)** 5](#_Toc472456110)

[**روایت پنجم (موثقه سماعه)** 6](#_Toc472456111)

[***أدله امتداد نماز عشاء تا ثلث لیل و جمع آن با روایات امتداد وقت تا نیمه شب*** 7](#_Toc472456112)

[***روایت أول (صحیحه معاویه بن عمار)*** 7](#_Toc472456113)

[***روایت دوم (موثقه معاویة‌ بن وهب)*** 8](#_Toc472456114)

[**روایت سوم(روایت فقه الرضا)** 9](#_Toc472456115)

[***وقت نماز صبح*** 9](#_Toc472456116)

**موضوع**: کتاب الصلاۀ/اوقات نماز های یومیه /آخر وقت نماز عشاء

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

بحث راجع به وقت نماز عشاء بود که عرض کردیم تارة‌ در ابتداء وقت و تارة در انتهاء وقت نماز عشاء بحث می شود.

***ابتدای وقت عشاء (غروب آفتاب یا سقوط شفق)***

**استظهار ما این بود که ابتدای وقت نماز عشاء غروب آفتاب است:**

هر چند در اینجا بزرگانی مثل مفید، سید مرتضی در ناصریات، شیخ طوسی، سلار و ابن ابی عقیل و ابن جنید قائل شده اند که ابتداء وقت عشاء سقوط شفق است.

و حتّی شیخ در خلاف می گوید: «الاظهر من مذهب اصحابنا و روایاتهم ان اول وقت العشاء اذا غاب الشفق و فی اصحابنا من قال اذا غابت الشمس» که نشان می دهد این قول شاذّ نبوده است ولی از این عبارت فهمیده نمی شود که این قول مشهور بوده است. و بر فرض هم قول مشهور باشد أدله آن تمام نیست؛

**أدله شروع وقت عشاء با سقوط شفق**

مرحوم شیخ طوسی در تهذیب روایاتی که می گوید از أذان مغرب می توان نماز مغرب و عشاء را خواند، حمل بر فرض عذر کرده است.

**ایشان فرموده است**: وجه این حمل این است که روایات مذکور مورد عذر را بیان کرده اند:

صحیحه حلبی: «***لابأس ان تعجل العشاء فی السفر قبل ان یغیب الشفق»***

صحیحه ابی عبیدة: ***کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا کانت لیلة مظلمة و ریح و مطر صلی العشاء الآخرة بعد صلاة المغرب***.

**مناقشه**

انصافا این فرمایش تمام نیست زیرا؛ صریح موثقه ابن بکیر این بود که: ***صلی رسول الله صلی الله علیه و آله بالناس المغرب و العشاء قبل الشفق من غیر علة و انما فعل ذلک لیتسع الوقت علی امته***. و این روایت با روایتی که شیخ طوسی نقل کرد: «***کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا کانت لیلة مظلمة***» منافات ندارد؛ به این بیان که: روش پیامبر این بود که بعد از سقوط شفق نماز عشاء می خواند مگر شب های بارانی ولی گاهی، ولو حدأقل یک بار، بدون علت قبل از سقوط شفق نماز عشاء را می خواند تا به مردم نشان دهد که وقت، موسع است. لذا جمع عرفی اقتضاء می کند که حمل بر افضلیت کنیم و بگوییم این که نماز عشاء بعد از سقوط شفق باید خوانده شود که عمدتاً در صحیحه حلبی آمد: «متی تجب العتمة قال اذا غاب الشفق» مراد از وجوب تأکّد استحباب است، زیرا وجوب نصل در وجوب اصطلاحی نیست مثلاً گفته می شود «غسل الجمعه واجب» که به معنای «ثابت» است. البته ما قبول داریم ظهور در وجوب مصطلح دارد ولی نص نیست که قابل حمل بر أفضلیّت نباشد.

***انتهای وقت عشاء***

**أقوال**

شیخ مفید در مقنعه می گوید یک سوم شب که تمام بشود وقت عشاء تمام شده است.

و شیخ در خلاف می گوید: «الاظهر من مذاهب اصحابنا و من روایاتهم ان آخر وقت العشاء اذا ذهب ثلث اللیل وقد رُوی نصف اللیل» به نظر ما «الأظهر من مذاهب أصحابنا» مراد این است که ظاهر برای من از میان فتاوای أصحاب و روایات أصحاب این قول است و از آراء أصحاب این رأی برای من أظهر است. نه این که مذهب أظهر و أشهر أصحاب این است.

بله این تعبیرکه «و قد روی نصف اللیل» یک مقدار کم‌لطفی هست، کانه یک روایت شاذی هم داریم، اما بالاخره نشان نمی دهد که مذهب اشهر و اظهر اصحاب این است.

و بر فرض شهرت ثابت باشد مهم نیست زیرا بر عدم خروج وقت نماز عشاء با مضی ثلث شب، قرینه ذکر می کنیم.

**صاحب حدائق می فرماید**: وقت أدای نماز عشاء تا نیمه شب ادامه دارد ولی بر مختار و غیر معذور مبادرت به نماز قبل از یک سوم شب واجب است.

ابتدا ادله امتداد وقت عشاء تا نصف شب را بررسی می کنیم و بعد ادله شیخ طوسی را مطرح می کنیم:

**أدله امتداد وقت عشاء تا نیمه شب**

**روایت أول: صحیحه زراره در تفسیر آیه**

آیه «اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل» به ضمیمه صحیحه زراره که گفت «و غسق اللیل انتصافه».

**مناقشه (تقیید آیه به غیر مختار)**

**در جلسه قبل عرض کردیم:** آیه اطلاق دارد و شامل مختار و مضطرّ می شود و می توان آن را با روایاتی که می گوید وقت نماز عشاء تا ثلث لیل است، به غیر مختار تقیید زد و گفت که مختار تا ثلث شب بیشتر وقت ندارد، و بعد از ثلث لیل نماز او قضاء است و یا مثل صاحب حدائق بگوییم أداء است ولی تا ثلث لیل وجوب مبادرت دارد.

**جواب (صراحت آیه در امتداد وقت مختار تا نیمه شب)**

**مرحوم آقای خوئی فرموده اند:**

**تقیید خلاف صراحت آیه است زیرا**: آیه به پیغمبر خطاب می کند و مفادش این است که وظیفه أولیه را بیان می کند نه حالات ثانویه را. و عرفی نیست که بگوییم آیه حکم مضطرّین را بیان کرده است. و کانه این تفصیل بین وقت مختار و وقت مضطر در نماز عشاء، که وقت مختار تا یک سوم شب است خلاف صراحت آیه است.

**پذیرش کبرای جواب (غیر عرفی بودن حمل مطلق بر صورت اضطرار)**

**و ما هم قبلاً مشابه همین را می گفتیم که حمل مطلقات بر صورت اضطرار، عرفی نیست:**

**در این آیه هم نسبت به نماز عشاء این بیان جاری می شود**: نماز مغرب در آیه صریحاً ذکر نشده بود ولی آخرین نماز یومیه عشاء است، لذا قدر متیقّن ازغسق اللیل این است که وقت عشاء تا غسق اللیل ادامه دارد و گویا گفته اند: «اقم صلاة العشاء الی غسق اللیل» بعد بگوییم این را برای مضطرّین گفته اند عرفی نیست. و ما قبلا هم این اشکال آقای خوئی را داشتیم.

**اشکال در صغرای جواب (تفاوت صورت اضطرار محل بحث با اضطرارهای دیگر)**

**و لکن وجه این که از این اشکال رفع ید کردیم این است که**: اضطرار در اینجا با اضطرارهای جاهای دیگر فرق دارد زیرا موارد اضطرار زیاد است و خیلی ها در حال سفر می باشند و جای مناسب پیدا نمی کنند که نماز عشاء را بخوانند، و خیلی ها در حضر حاجت عرفیه دارند و اضطرار در این جا مثل اکل میته نیست که موارد کمی داشته باشد. و خصوصاً اگر نظر صاحب حدائق را بگوییم که وقت مختار هم تا نیمه شب ادامه دارد و تنها بر مختار واجب است که تا ثلث شب نماز عشاء را بخواند و بر معذورین تکلیفاً هم تأخیر جایز است که واضح نیست آیه از این جمع اباء داشته باشد که با روایاتی که می گوید در موارد عدم عذر عرفی مبادرت به نماز عشاء تا یک سوم شب واجب است، آیه را تقیید بزنیم به اینکه «و لکن اذا لم یکن حاجة عرفیة توجب التاخیر» اگر حاجت عرفیه ای نداشته باشی که سبب تاخیر بشود تکلیفا لازم است قبل از یک سوم شب نماز عشاء‌ را بخوانی.

خلاصه این که تقیید آیه به این که بر مختار وجوب مبادرت تا یک سوم شب ثابت است، خلاف صراحت آیه نیست، هر چند خلاف ظاهر آیه است. و هر چند حمل خطاب مطلق بر صورت اضطرار، عرفی نیست ولی این خطاب مطلق با بقیه فرق دارد زیرا آیه موارد زیادی را شامل می شود: مسافرها، کسانی که حاجت عرفیه دارند و نیز وقت أداء برای مختار را هم در نظر گرفته است و آیه شامل آن هم می شود.

**روایت دوم (صحیحه بکر بن محمد)**

این روایت را قبلاً ذکر کردیم: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ***أَنَّهُ سَأَلَهُ سَائِلٌ عَنْ وَقْتِ الْمَغْرِبِ- فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ لِإِبْرَاهِيمَ فَلَمّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأى كَوْكَباً قالَ هذا رَبِّي فَهَذَا أَوَّلُ الْوَقْتِ‌وَ آخِرُ ذَلِكَ غَيْبُوبَةُ الشَّفَقِ- وَ أَوَّلُ وَقْتِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ ذَهَابُ الْحُمْرَةِ- وَ آخِرُ وَقْتِهَا إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ يَعْنِي نِصْفَ اللَّيْلِ.[[1]](#footnote-1)***

حالا بر فرض این عبارت «یعنی نصف اللیل» در کلام امام باشد باز همان اشکال قبلی پیش می آید که این صحیحه بکر بن محمد مثل آیه است که قابل تقیید باشد به این که: کسی که حاجت عرفیه ندارد و در سفر نیست، سریع قبل از یک سوم شب نماز عشاء‌ را بخواند.

**روایت سوم (قاسم بن عروه)**

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ***: إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاتَيْنِ إِلَّا أَنَّ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ.***[[2]](#footnote-2)

این هم همان اشکال را دارد که این اطلاق قابل تقیید است.

**روایت چهارم (موثقه حسن بن محمد بن سماعه)**

وَ عَنْهُ (حسن بن محمد بن سماعه)عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ***: الْعَتَمَةُ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ- أَوْ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ وَ ذَلِكَ التَّضْيِيعُ.[[3]](#footnote-3)***

**آقای خوئی فرموده است**: این روایت دلالت می کند که تأخیر نماز عشاء تا نزدیک نیمه شب جایز است.

**ولی این برای ما مفهوم نیست:**

اگر آقای خوئی می فرمایند: روایت دلالت می کند که وقت اداء نماز عشاء تا نیمه شب است درست است. اما رد کلام صاحب حدائق نمی شود. بلکه مؤید کلام صاحب حدائق است چون می گوید: «و ذلک التضییع». اگر نماز عشاء را از یک سوم شب تاخیر بیندازی و قبل از نیمه شب بخوانی این تضییع است. تضییع که شد قرآن می گوید حافظوا علی الصلوات یعنی لاتضیعوا.

توجّه شود که آیه نمی گوید اگر تا نیمه شب نماز عشاء را نخواندی تضییع است و این معنا خلاف ظاهر است. بلکه می گوید اگر از ثلث لیل تأخیر انداختی هر چند وقت باقی است ولی این تضییع نماز است.

لذا حداقل این است که این روایت دلیل بر قول مشهور نیست زیرا «و ذلک التضییع» دارد که ما یصلح للقرینیة است بر این که تأخیر از ثلث لیل جایز نیست، بلکه ما بعید نمی دانیم این جمله «و ذلک التضییع» دلیل بر قول صاحب حدائق هم باشد.

**روایت پنجم (موثقه سماعه)**

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ***: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَوْ لَا أَنِّي أَخَافُ أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي- لَأَخَّرْتُ الْعَتَمَةَ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ- وَ أَنْتَ فِي رُخْصَةٍ إِلَى نِصْفِ اللَّيْلِ وَ هُوَ غَسَقُ اللَّيْلِ- فَإِذَا مَضَى الْغَسَقُ نَادَى مَلَكَانِ- مَنْ رَقَدَ عَنْ صَلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ- فَلَا رَقَدَتْ عَيْنَاهُ.[[4]](#footnote-4)***

پیامبر فرمود: اگر بر امت سخت نمی شود نماز عشاء را جور دیگر تشریع می کردم و وقت آن را بعد از یک سوم از شب قرار می دادم. برای اینکه فاصله بین نمازها متناسب بشود، نماز صبح با نماز ظهر خیلی فاصله دارد، نماز ظهر با نماز عصر خیلی فاصله دارد، نماز عصر با نماز مغرب خیلی فاصله ندارد، نماز مغرب و عشاء خیلی فاصله ندارد، اگر من بودم مشقت بر امت نداشت می گفتم نماز عشاء‌ را از یک سوم شب (که الان حدود نه و نیم می شود) بخوانید.

البته این را بعدا بحث می کنیم این مصلحت تشریع است. یعنی اگر خوف مشقت بر امت نبود اینجور تشریع می کردند. ولی حالا که خوف مشقت بر امت است از این مصلحت رفع ید کردیم و جور دیگر تشریع کردیم و تشریع فعلی این است که از اول غروب وقت نماز عشاء شروع می شود و وقت فضیلت هم (طبق روایات دیگر) اول سقوط شفق است. این حکم فعلی ناشی از خوف مشقت بر امت است. و ترغیب به اینکه الان نماز عشاءتان را در ثلث لیل بخوانید نیست

خود پیغمبر هم هنگام سقوط شفق نماز عشاء می خواند. حکم فعلی بر اساس همین رعایت عدم وقوع مسلمین در مشقت تشریع شده،‌هم حکم فعلی وجوب که از غروب شمس است هم حکم فعلی فضیلت که هنگام سقوط شفق است و در روایات دیگر ترغیب کردند.

بعد فرمود «و انت فی رخصة الی نصف اللیل» انصافا این روایت دیگه قابل توجیه نیست و صاحب حدائق نمی تواند آن را توجیه کند زیرا نمی سازد با این که مبادرت به نماز عشاء قبل از ثلث لیل واجب باشد. و چون این روایت ظهور قوی تری دارد روایتی که می گفت «و ذلک التضییع» را حمل می کنیم بر این که وقت فضیلت نماز عشاء تضییع می شود.

و جمع بین روایات به این که: این روایت قضیه خارجیه را می گوید که أنت فی رخصه و احتمال دارد مسافر بوده است ولی روایات دیگر قضیه حقیقه را بیان می کنند لذا این روایت را حمل بر معذور کنیم، این جمع عرفی نیست و اگر به عرف این دو خطاب را بدهید جمله و ذلک التضییع را حمل بر تضییع وقت فضیلت نماز عشاء می کند.

و اگر این را قبول نکنید و بگویید برای عرف تحیّر حاصل می شود به اطلاقات مثل روایت قاسم بن عروه و صحیحه زراره رجوع می کنیم که می گویند وقت نماز عشاء تا نیمه شب ادامه دارد. و أصل برائت هم موافق با ما است که وقت نماز عشاء مضیّق نیست.

***أدله امتداد نماز عشاء تا ثلث لیل و جمع آن با روایات امتداد وقت تا نیمه شب***

روایاتی که می گوید آخر وقت عشاء ثلث لیل است را هم بررسی کنیم:

***روایت أول (صحیحه معاویه بن عمار)***

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ فِي رِوَايَةٍ ***أَنَّ وَقْتَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ.[[5]](#footnote-5)***

این روایت می گوید وقت عشاء تا ثلث لیل است که طرف معارضه با روایات دیگر است که می گفت و انت فی رخصه الی نصف اللیل: که یا این روایت را حمل می کنیم بر این که وقت فضیلت نماز عشاء تا ثلث لیل ادامه دارد کما هو الصحیح و یا این که جمع عرفی ندارند و به اطلاقات و یا أصل برائت رجوع می کنیم.

و این جمع که این روایت حکم لولایی و این که اگر مشقّت أمت نبود چنین حکمی ثابت بود، را می گوید و بقیه روایات حکم فعلی را می گوید صحیح نیست زیرا رها کردن حکم فعلی و بیان حکم لولایی لغو است. مثل این که بگویند مسواک زدن واجب است. و بعد بگوید مراد من حکم لولایی بود.

و أما این که پیغمبر فرمود: لولا اخاف ان اشق علی امتی لاخرت العتمة الی ثلث اللیل؛ لغو نیست و می خواهد بیان کند که پیغمبر شما نسبت به شما دلسوز است و بالمؤمنین رئوف رحیم است تا یک کمی این مسلمان ها به فکر اهل بیت پیامبر باشند، این قدر ظلم نکنند. می گوید من به خاطر شما این کارها را کردم شما هم یک مقدار مراعات کنید. قل لااسئلکم علیه اجرا الا المودة‌ فی القربی. علاوه بر این که در این روایت نمی خواهد حکم شرعی فعلی بگوید تا لغو باشد بلکه پیامبر کلامشان را مقیّد آورده است که «لولا اخاف ان اشق علی امتی لاخرت العتمة الی نصف اللیل».

***روایت دوم (موثقه معاویة‌ بن وهب)***

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ***: أَتَى جَبْرَئِيلُ رَسُولَ اللَّهِ ص بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ- فَأَتَاهُ حِينَ زَالَتِ الشَّمْسُ فَأَمَرَهُ فَصَلَّى الظُّهْرَ- ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ زَادَ الظِّلُّ قَامَةً فَأَمَرَهُ فَصَلَّى الْعَصْرَثُمَّ أَتَاهُ حِينَ غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَأَمَرَهُ فَصَلَّى الْمَغْرِبَ- ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ سَقَطَ الشَّفَقُ فَأَمَرَهُ فَصَلَّى الْعِشَاءَ- ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ طَلَعَ الْفَجْرُ فَأَمَرَهُ فَصَلَّى الصُّبْحَ- ثُمَّ أَتَاهُ مِنَ الْغَدِ حِينَ زَادَ فِي الظِّلِّ قَامَةٌ- فَأَمَرَهُ فَصَلَّى الظُّهْرَ- ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ زَادَ مِنَ الظِّلِّ قَامَتَانِ فَأَمَرَهُ فَصَلَّى الْعَصْرَ- ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَأَمَرَهُ فَصَلَّى الْمَغْرِبَ- ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ ذَهَبَ ثُلُثُ اللَّيْلِ فَأَمَرَهُ فَصَلَّى الْعِشَاءَ- ثُمَّ أَتَاهُ حِينَ نَوَّرَ الصُّبْحُ فَأَمَرَهُ فَصَلَّى الصُّبْحَ- ثُمَّ قَالَ مَا بَيْنَهُمَا وَقْتٌ.[[6]](#footnote-6)***

**پیامبر دو روز با جبرئیل مواجه شد:** روز أول به پیامبر گفت که حین سقوط الشفق نماز عشاء بخوان،‌فردا ثلث اللیل که رسید به پیامبر گفت که نماز عشاء بخوان بعد گفت و ما بینهما وقت. از سقوط شفق تا ثلث اللیل وقت برای نماز عشاء است.

ما می گوییم مقتضای جمع عرفی بین این روایت و «انت فی رخصة الی غسق اللیل» این است که حمل بر فضیلت کنیم. یعنی تا ثلث اللیل وقت فضیلت عشاء باقی است. و اگر هم تعارض کنند به أصل برائت رجوع می کنیم.

**آقای خوئی فرموده اند**: این روایت خلاف نظر شیخ طوسی و صاحب حدائق است: چون پیغمبر در این روایت نماز عشاء‌ را بعد از ذهاب ثلث اللیل خواند. حین ذهب ثلث اللیل فامره فصلی العشاء. در حالی که شیخ طوسی می گفت قبل از اینکه یک سوم شب بگذرد نماز عشائت تمام بشود. صاحب حدائق هم همین را می گفت.

**و لکن انصافا و لو به قرینه روایات دیگر، ظاهر روایت قُبیل ثلث لیل است**: زیرا در روایات دیگر می گفت «وقت العشاء الی ثلث اللیل» و یا وجوب مبادرت دارد و یا حداقل این است که وقت فضیلت در این وقت است لذا معنا ندارد جبرئیل وقت فضیلت را بیان نکند و به پیامبر بگوید بعد از وقت فضیلت نماز عشاء را بخوان. لذا با توجه به این قرینه ظاهر روایت این است که قبیل خروج ثلث لیل جبرئیل نازل شد. و أمر کرد که نماز عشاء را بخوان.

نکته:آقای خوئی می گوید قرینه بر اینکه این را روایات را حمل بر وقت فضیلت می کنیم همان و هو تضییع آن روایت است. از این جمله معلوم می شود تأخیر نماز عشاء تا نیمه شب مرجوح است ولی جایز است و هو تضییع یعنی بالاغیرتاً از این کارها نکن.

ولی ما نمی فهمیم از کجای و هو تضییع به دست می آید که تأخیر جایز است. حالا مهم نیست. ما «و انت فی رخصة» که داریم و فیه غنی و کفایة.

**روایت سوم(روایت فقه الرضا)**

***«... و وقت المغرب سقوط القرص إلى مغيب الشفق و وقت عشاء الآخرة الفراغ من المغرب ثم إلى ربع الليل و قد رخص للعليل و المسافر فيهما إلى انتصاف الليل و للمضطر إلى قبل طلوع الفجر***...[[7]](#footnote-7)

علیل به معنای فقیر نیست بلکه به معنای «من به علّۀ» است یعنی کسی که یک مشکلی دارد.

این روایت ربع لیل را می گوید که هیچ کس از فقهاء به آن فتوا نداده اند و کسی مطرح نکرده است.

و فقه الرضا هم از نظر سند مشکل دار است لذا آن را رها می کنیم.

***وقت نماز صبح***

بحث بعد راجع به این است که صاحب عروه می گوید ما بین طلوع الفجر الی طلوع الشمس وقت الصبح

دو بحث مهم در این جا مطرح است: بحث أول این که واضح است مبدأ نماز صبح طلوع فجر است،‌طلوع فجر صادق، در مقابل طلوع فجر کاذب، که یک سپیدی به شکل مثلث دیده می شود و از بین می رود و بعد از مدتی فجر صادق شروع می شود.

مراد از فجر صادق چیست؛ باید گفت که در افق سه حالت پیدا می شود، متخصصین گزارش داده اند و فیلمش هم موجود است و ما هم دیدیم،‌حدودا هشت دقیقه بین این سه حالت فاصله است؛

اول یک نقطه سفیدی است که حداقل با چشم دقیق دیده می شود. بعد یک خط باریک سفیدی به صورت افقی ایجاد می شود و بعد این خط باریک افقی کم کم پهن می شود، بالا می آید،‌ در برخی از اوقات سال هشت دقیقه که از این حالت می گذرد دیگر این خط پهن دیده می شود.بین آن خط باریک و خط عریض هفت دقیقه فاصله است. که مجموعا هشت دقیقه می شود.

و باید ببینیم طلوع فجر کدام است. برخی از این اذان ها با برخی از این محاسبات حدود هشت دقیقه فرق می کند.

راجع به انتهاء وقت صبح هم برای مختار آیا طلوع شمس است یا روشنایی هوا؟ این جا هم صاحب حدائق گفته اگر قبل از روشنی هوا،‌خیلی زودتر از طلوع شمس، نماز صبح را نخوانی، مشغول الذمة هستی.

1. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 174‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 186‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 185‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. **وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 185‌** [↑](#footnote-ref-4)
5. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 200‌ [↑](#footnote-ref-5)
6. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 157‌ [↑](#footnote-ref-6)
7. الفقه - فقه الرضا، ص: 103‌ [↑](#footnote-ref-7)